



Islamic Maaref University


Scientific Journal  
**The History of Islamic Culture  
And Civilization**

Vol. 16, Autumn 2025, No. 60

**A study of the reasons for the migration of Iranian women  
founders to India during the Gurkani era and their role in the  
flourishing of architecture during this period (1135-932 AH)**

Zohreh Qadiri <sup>1</sup> \ Ali Akbar Jafari <sup>2</sup>

1. PhD in Iranian History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran,  
and Lecturer in Islamic Studies (Corresponding Author).  
[zghadiri20@yahoo.com](mailto:zghadiri20@yahoo.com)
2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities,  
University of Isfahan, Isfahan, Iran.  
[a.jafari@ltr.ui.ac.ir](mailto:a.jafari@ltr.ui.ac.ir)

Abstract Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> 	<p>The report of historical sources shows that during the rule of the Gurkani dynasty in India, a large group of Iranian elites traveled to this land and, by participating in various political, social and cultural arenas, made their names immortal in the history of this land. Among these immigrants, there were also women who were mostly dependent on and accompanied by these elites and, compared to other women, had both the ability and the opportunity to play an effective role. Some of them took steps towards the advancement of the art of architecture and the development of the land of India by participating in the field of architecture and creating beautiful buildings and structures. This research, using library resources and a descriptive-analytical method, aims to introduce Iranian women founders in India during the Gurkani era, the reasons for the migration of this group of women, and examine their role in the field of architecture and the creation of original works. It aims to answer the question of what factors led to the migration of these women. What role did Iranian women play in the flourishing of architecture and the construction of lasting buildings and structures in India? The research findings show that Iranian women of the Gurkani court played an effective and efficient role and presence in the field of architecture and the construction of beautiful and lasting buildings and structures as founders, investors, supporters, encouragers, and motivators, and by having direct and indirect responsibility in this field.</p>
<p><b>Received:</b> 2024/12/30</p> <p><b>Accepted:</b> 2025/05/17</p>	
<p><b>Keywords</b></p>	<p>Iranian women, migration, Gurkanians, India, architecture.</p>
<p><b>Cite this article:</b></p>	<p>Qadiri, Zohreh &amp; Ali Akbar Jafari (2025). A study of the reasons for the migration of Iranian women founders to India during the Gurkani era and their role in the flourishing of architecture during this period (1135-932 AH). <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i>. 16 (3). 91-114. DOI: 10.22034/16.60.89</p>
<p><b>DOI:</b></p>	<p><a href="https://doi.org/10.22034/16.60.89">https://doi.org/10.22034/16.60.89</a></p>
<p><b>Publisher:</b></p>	<p>Islamic Maaref University, Qom, Iran.</p>

## دراسة اسباب هجرة النساء البنائة الايرانيات الى الهند في العصر الغوركاني و دورهم في ازدهار العمارة لهذه الفترة (١١٣٥ - ٩٣٢ ق)

زهرة قديري<sup>١</sup> / علي اكبر جعفري<sup>٢</sup>

١. دكتوراه تاريخ ايران، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعة اصفهان، اصفهان، ايران  
و مدرس دروس المعارف الاسلامية (الكاتب المسؤول).

[zghadiri20@yahoo.com](mailto:zghadiri20@yahoo.com)

٢. استاذ مرادف فرع التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعة اصفهان، اصفهان، ايران.  
[a.jafari@ltr.ui.ac.ir](mailto:a.jafari@ltr.ui.ac.ir)

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	تشير المصادر التاريخية في عصر الحكومة الغوركانية بالهند، بان حشد كبير من النخبة الايرانية توجهوا نحو هذه الاراضي و بحضورهم في المجالات السياسية، الاجتماعية و الثقافية المختلفة خلدوا اسمائهم في تاريخ هذه الارض. من بين هؤلاء المهاجرين، كانت النساء حاضرة ايضا حيث كن بشكل اساسي متعلقات و تابعات و مرافقات للنخبة و كن بالمقارنة مع سائر النساء، أقوى و كانت لديهن فرصة اكبر لايجاد دور مؤثر اكبر حيث أن بعضهن بحضورهن في مضممار العمارة و تشييد المباني و الصروح الجميلة، خطون خطوات لاعتلاء فن العمارة و التحضر في ارض الهند. هذا البحث بالاستفادة من المصادر المكتبية و بأسلوب وصفي - تحليلي يهدف تعريف النساء البنائة الايرانيات في الهند خلال العصر الغوركاني، اسباب هجرة هذه المجموعة من النساء و دراسة دورهن في مجال العمارة و ايجاد الآثار البديعة، بصدد الاجابة علي هذا السؤال الذي يقول ماهي العوامل التي أدت الي هجرة هؤلاء النساء؟ ما هو دور النساء الايرانيات في ازدهار العمارة و بناء المباني و الصروح الخالدة في بلاد الهند؟ محصول البحث يشير الي ان النساء الايرانيات في البلاط الغوركاني كان لهن في مجال العمارة و بناء المباني و الصروح الجميلة و الخالدة بعنوان الباني و المستثمر، الداعم و المحفز و المشجع و بمسؤوليتهن المباشرة و غير المباشرة في هذا المضممار، دور و حضور مؤثر و فاعل.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٦/٢٨	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/١١/١٩	
الألفاظ المفتاحية	النساء الايرانيات، الهجرة، الغوركانيون، الهند، العمارة.
الاقتباس:	قديري، زهرة و علي اكبر جعفري (١٤٤٧). دراسة اسباب هجرة النساء البنائة الايرانيات الي الهند في العصر الغوركاني و دورهم في ازدهار العمارة لهذه الفترة (١١٣٥ - ٩٣٢ ق). مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية.
رمز DOI:	DOI: 10.22034/16.60.89 .٩١ - ١١٤ .(٣) ١٦
الناشر:	<a href="https://doi.org/10.22034/16.60.89">https://doi.org/10.22034/16.60.89</a> جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



دانشگاه معارف اسلامی

نشریه علمی

# تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۶، پاییز ۱۴۰۴، شماره ۶۰

## بررسی علل مهاجرت زنان بانی ایرانی به هند عصر گورکانی و نقش آنان در رونق معماری این دوره (۱۱۳۵ - ۹۳۲ ق)

زهرة قدیری<sup>۱</sup> / علی اکبر جعفری<sup>۲</sup>

۱. دکتری تاریخ ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران و مدرس دروس معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

zghadiri20@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

a.jafari@ltr.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۱۱۴ - ۸۹)</p> 	<p>گزارش منابع تاریخی نشان می‌دهد در دوران حکومت گورکانیان هند، گروه وسیعی از نخبگان ایرانی راهی این سرزمین شدند و با حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نام خود را در تاریخ این سرزمین جاودانه ساختند. در بین این مهاجرین، زنان نیز حضور داشتند که عمدتاً وابسته و همراه همین نخبگان بودند و در مقایسه با دیگر زنان، هم از توانایی و هم فرصت بیشتری برای نقش‌آفرینی مؤثر برخوردار بودند که برخی با حضور در عرصه معماری و خلق بناها و سازه‌های زیبا، در اعتلای هنر معماری و آبادانی سرزمین هند گام برداشتند. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی با هدف معرفی زنان بانی ایرانی در هند عصر گورکانی، علل مهاجرت این دسته از زنان و بررسی نقش آنان در عرصه معماری و خلق آثار بدیع، قصد دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی در مهاجرت این زنان وجود داشته است؟ زنان ایرانی چه نقشی در رونق معماری و ساخت بناها و سازه‌های ماندگار سرزمین هند داشتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زنان ایرانی دربار گورکانی در عرصه معماری و ساخت ابنیه و سازه‌های زیبا و ماندگار به‌عنوان بانی و سرمایه‌گذار، حامی و مشوق و انگیزه دهنده و با داشتن مسئولیت مستقیم و غیر مستقیم در این زمینه، نقش و حضوری مؤثر و کارآمد داشتند.</p>
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷</p>	<p>زنان ایرانی، مهاجرت، گورکانیان، هند، معماری.</p>
<p>واژگان کلیدی</p>	<p>قدیری، زهره و علی اکبر جعفری (۱۴۰۴). بررسی علل مهاجرت زنان بانی ایرانی به هند عصر گورکانی و نقش آنان در رونق معماری این دوره (۱۱۳۵ - ۹۳۲ ق). <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i>. ۱۶ (۳). DOI: 10.22034/16.60.89.۹۱ - ۱۱۴</p> <p>کد DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/16.60.89">https://doi.org/10.22034/16.60.89</a></p> <p>ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.</p>

## طرح مسئله

علاقه وافر پادشاهان گورکانی به هنر و ادب و محیط فرهنگ‌پرور دربار این پادشاهان<sup>۱</sup> علما، شعرا، سخنوران و هنرمندان بسیاری را از دیگر سرزمین‌ها، به‌خصوص ایران، به سرزمین هند کشاند تا در این سرزمین بدیع‌ترین و زیباترین آثار خود را خلق کنند. از این‌رو، در سایه اقتدار دولت گورکانی، فرهنگ و هنر این سرزمین پیشرفت کرد و با حمایت پادشاهان این سلسله، بسیاری از مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی به شبه‌قاره هند راه یافت و با تلاقی و ترکیب با اندیشه و عناصر فرهنگی هندی مراحل رشد و تعالی خود را در این سرزمین پیمود. در این‌بین، پادشاهان و بزرگان سلسله گورکانی با حضور در عرصه معماری و با خلق سازه‌هایی مهم، که تاکنون چشم همگان را به خود خیره ساخته است، در آبادانی سرزمین هند و اعتلای هنر معماری این دوره نیز سهمیم شده‌اند. درحقیقت، بزرگان این سلسله برای حکمرانی بر جامعه ناهمگونی که تعدد عقاید و فرهنگ‌ها شاخصه اصلی آن است و برای معرفی خود و کسب شهرت و افتخار، به ساخت بناهای بزرگ و مجلل در این سرزمین پرداختند.

اما همگام با پادشاهان و دولتمردان گورکانی، برخی زنان وابسته به این سلسله نیز، با مشارکت در زمینه معماری و ایجاد بناهای عمومی، در آبادانی و شکوفایی سرزمین هند سهمیم شدند. در این‌بین، برخی زنان ایرانی وابسته به نخبگان مهاجر که به دلایل مختلف به دربار گورکانی راه یافتند نیز با حضور در این عرصه، در توسعه و پایداری هنر معماری و آبادانی سرزمین هند گام برداشتند و با خلق سازه‌ها و بناهای زیبا نام خود را در این سرزمین جاودانه ساختند. به عنوان نمونه، نورجهان بیگم، دختر غیاث بیگ تهرانی، با تأسیس دو مسجد بزرگ و باشکوه، پتھری مسجد و لعل مسجد، در سرزمین هند، در بین صف‌بندی متنوع فرهنگی و نژادی این سرزمین، خود را به عنوان مدافع آیین و فرهنگ اسلامی به همگان معرفی کرد. برخی دیگر از بانوان ایرانی نیز، با مشارکت در ساخت اماکن مذهبی و معرفی آنها به عنوان کانون تجلی هویت معنوی مسلمانان منطقه، گام مؤثری در گسترش مذهب و فرهنگ اسلامی در سرزمین هند برداشتند. علاوه بر این، نورجهان بیگم و جهان‌آرا بیگم، با تأسیس بازارهای بزرگ و ساخت و مرمت بناهای عام‌المنفعه همچون کاروان‌سراها، علاوه بر کسب ثواب اخروی و اعتبار و شوکت دنیوی، در امور تجاری و بازرگانی و مسائل کلان اقتصادی این دوره فعالانه حضور یافتند. برخی بانوان ایرانی، همچون جانان بیگم و قندهاری‌محل، نیز با طراحی، احداث یا مرمت و بازسازی باغ‌های بزرگ، که اغلب آنها از لحاظ طرح و سبک هندسی از باغ‌های ایرانی الگو گرفته بودند، در گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی در سرزمین هند گام برداشتند. به این ترتیب، نظر به اینکه هنر و معماری هند در این دوران در اوج اعتلای خود بوده و به گواه منابع تاریخی، نقش بانوان ایرانی دربار گورکانی در تحولات کمی و کیفی

معماری این دوره بسیار چشمگیر بوده، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است:

۱. چرا زنان نخبه ایرانی به هند عصر گورکانی مهاجرت کردند؟

۲. زنان ایرانی چه نقشی در رونق معماری و ساخت بناها و سازه‌های ماندگار سرزمین هند دوره

گورکانی داشتند؟

## اهداف و ضرورت پژوهش

اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

- شناسایی زنان بانی ایرانی در هند عصر گورکانی؛

- بررسی علل مهاجرت بانوان نخبه ایرانی به سرزمین هند عصر گورکانی؛

- بررسی نقش بانوان ایرانی دربار گورکانی هند در رونق معماری و آبادانی این سرزمین؛

- مقایسه نقش زنان بانی ایرانی در عرصه معماری با عملکرد سایر زنان دربار گورکانی هند در این زمینه.

ضرورت انجام این پژوهش از آن روست که تاکنون پژوهش مستقلی درخصوص علل مهاجرت زنان نخبه ایرانی به سرزمین هند و نقش آنان در رونق هنر معماری دوره گورکانی انجام نشده است و پرداختن به موضوع مغفول و بااهمیت مهاجرت زنان نخبه ایرانی به سرزمین هند خواننده را در شناسایی زنان برجسته مهاجر ایرانی به سرزمین هند و نقش مؤثر این دسته از بانوان در گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی در سرزمین هند یاری می‌رساند.

## روش پژوهش

این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای همچون منابع تاریخی، تذکره‌ها، کتب ادبی و خاطرات، ضمن بررسی علل مهاجرت برخی زنان ایرانی به سرزمین هند، به نقش فعال و مؤثر این دسته از زنان در رونق معماری و آبادانی سرزمین هند و مقایسه عملکرد این بانوان با سایر زنان دربار گورکانی می‌پردازد.

## پیشینه پژوهش

در باب مهاجرت نخبگان ایرانی به سرزمین هند پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ اما در تمام این پژوهش‌ها غالباً تمرکز بر مهاجرت مردان، به‌خصوص طیف گسترده هنرمندان و شعرا، بوده است. همچنین، درخصوص نقش زنان دوره گورکانی در عرصه معماری بررسی‌های انجام‌شده اندک و بسیار اجمالی است؛ چنان‌که راجپوت، در مقاله «سهم شاهزاده خانم‌های مغول در معماری شبه‌قاره»، به نقش

چند تن از بانوان منتفذ دربار گورکانی در معماری این دوره اشاره کرده و پس از ارائه پاره‌ای توضیحات مختصر درباره برخی آثار معماری این دوره، بدون ذکر منبع، مقاله خود را به پایان رسانده است. رخاه مسره نیز در کتاب **زنان مغول هند** به معدودی از آثار معماری خلق شده توسط برخی زنان وابسته به خاندان گورکانی هند اشارات مختصری کرده، اما این اثر نیز در رویکرد خود، در ذکر پاره‌ای از مطالب، دچار پراکندگی است. همچنین، در ذکر نام برخی افراد اشتباهاتی روی داده است. از این رو، پراکندگی مطالب و اشتباهات آشکار در ذکر نام افراد خواننده این اثر را سردرگم می‌سازد. با این وصف، می‌توان چنین استنباط کرد که تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص نقش و عملکرد زنان ایرانی در رونق معماری این دوره انجام نشده است. از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است که ضمن بررسی علل مهاجرت برخی زنان ایرانی به سرزمین هند، به نقش فعال و مؤثر آنان در رونق معماری و آبادانی این سرزمین اشاره شود.

### بررسی علل مهاجرت زنان بانی ایرانی به سرزمین هند

وداع نخبگان ایرانی از زادبومشان و مهاجرت آنان به شبه‌قاره هند فرایند متداولی در تاریخ ایران است که سابقه آن به گذشته‌های بسیار دور می‌رسد. در دوران حکومت صفویان نیز مهاجرت ایرانیان، به خصوص طیف گسترده نخبگان علمی، ادبی، سیاسی و نظامی، به شبه‌قاره هند تداوم یافت و روابط نزدیک و تنگاتنگ ایران و هندوستان در این دوره و حمایت پادشاهان و بزرگان سلسله گورکانی از ایرانیان موجبات مهاجرت عده زیادی از خاندان‌های بزرگ و نخبگان ایرانی به سرزمین هند را فراهم آورد. از این رو، جریان مهاجرت برخی ایرانیان به سرزمین هند، بسیاری از مورخان و نویسندگان را بر آن داشت که درباره علل این گونه مهاجرت‌ها تحقیق کنند و آرا و نظریات خود را ارائه دهند. در خصوص علت مهاجرت برخی زنان نخبه به سرزمین هند و حضور آنان در دربار گورکانی هند نیز دلایل متعددی وجود دارد که شاید بتوان ساده‌ترین و بارزترین آن را همراهی با پدران و همراهان خود دانست. با وجود این، دلایل دقیق‌تر و عمیق‌تری نیز در این زمینه وجود دارد که به مهم‌ترینشان اشاره می‌کنیم:

### علل داخلی

۱. سابقه مهاجرت ایرانیان و نخبگان ایرانی به شبه‌قاره هند: پیشینه و سابقه مهاجرت ایرانیان به هند برخی ایرانیان سده دهم و یازدهم را بر آن داشت که به این کشور مهاجرت کنند و همانند هم‌وطنان خویش از ثروت و مکنات دولت گورکانی برخوردار شوند و ضمن تقرب در دستگاه گورکانیان، جایگاه خود را ترفیع دهند و به مقامات بالایی دست یابند.<sup>۱</sup> در این بین، برخی خاندان‌های ایرانی نیز به سرزمین هند

۱. لاهوری، **پادشاه نامه**، تصحیح مولوی کبیرالدین احمد و مولوی عبدالرحیم، ج ۲، ص ۳۵۰.

مهاجرت کردند و تأثیر عمیقی بر حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی این سرزمین نهادند؛ چنان که بیرام بیگ بهارلو و خاندان او، پس از شنیدن آوازه مهاجرت برخی ایرانیان به سرزمین هند، رهسپار این دیار شدند و با حضور گسترده در عرصه‌های مختلف، بر تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره تأثیر عمیقی نهادند و خدمات شایسته‌ای به سرزمین هند و پادشاهان گورکانی ارائه کردند. درحقیقت، قوام دولت گورکانی بعد از شکست همایون شاه در برابر رقیبش، شیر خان سوری و برادرانش، کامران، هندال و عسگری میرزا، تنها با همراهی بیرام خان و یاری سیاسی و نظامی ایرانیان ادامه یافت.<sup>۱</sup> بیرام خان در تمام روزهای سخت درگیری همایون با رقبای سیاسی‌اش و پناهندگی او به ایران، به عنوان مشاور اصلی همایون در کنار این پادشاه ماند و رد پای عمیقی از خود در صحنه حوادث سیاسی این دوره بر جای نهاد.<sup>۲</sup> پس از بیرام خان، پسر او، عبدالرحیم خانخان، به عنوان امیر و سپهسالار، در رأس امور قرار گرفت و وی نیز در زمان حیات سیاسی خود، خدمات شایسته‌ای به دو تن از پادشاهان گورکانی، اکبر و جهانگیر، کرد. همچنین، دختر او، جانان بیگم، که همانند پدر و جد خود، دانشمند و فاضل بود، پس از ازدواج با شاهزاده دانیال، پسر اکبر شاه، خدمات شایسته‌ای در زمینه فرهنگ و ادب به جامعه هند عصر گورکانی عرضه کرد.<sup>۳</sup>

۲. نامنی مالی و جانی دوران حکومت شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده: بعد از مرگ شاه طهماسب صفوی، نزاع خانوادگی برای تعیین جانشین پادشاه در دربار صفوی بالا گرفت و هرج و مرج و نابسامانی بر برخی ولایات ایران حکم فرما شد. از این رو، مهاجرت برخی نخبگان و خاندان‌های ایرانی به سرزمین هند شدت یافت و این روند تا پایان حکومت میرزا محمد خدابنده تداوم یافت؛ به این ترتیب که چون شاه اسماعیل دوم، با دسیسه خواهر ناتنی خود، پریخان خانم، و دایی او، شمشال خان چرکس، و برخی دیگر از امرا و سران طوایف بر تخت سلطنت نشست، درصدد حذف رقبای احتمالی سلطنت برآمد و در پی آن بسیاری از افراد ذکور خاندان صفوی را از میان برداشت یا کور کرد. از این رو، خشونت شاه اسماعیل دوم و کشتار شاهزادگان صفوی برخی نخبگان ایرانی به خصوص شاهزادگان صفوی را به مهاجرت واداشت. بعد از مرگ شاه اسماعیل دوم و با روی کار آمدن میرزا محمد خدابنده که از ضعف بینایی رنج می‌برد نیز، اوضاع نابسامان دربار و هرج و مرج در برخی ایالات مهاجرت ایرانیان به سرزمین هند را سرعت داد؛ چنان که در این دوره پر آشوب، دو خاندان مظفر حسین میرزا صفوی و رستم میرزا صفوی وطن خود را ترک و به هند مهاجرت کردند. شاه طهماسب، بعد از شکست از بکان در سال ۹۳۶ قمری و بیرون راندن

۱. تتوی و قزوینی، *تاریخ الفی*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۸، ص ۵۷۳۵ - ۵۶۲۰.

۲. گورکانی، *همایون نامه*، ص ۱۹۳ - ۶۶؛ علامی، *اکبر نامه*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. جعفر حلیم، *شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانخانان*، ص ۱۷۰ - ۱۶۹.

آنان از منطقه خراسان و دیگر مناطق شرقی ایران، اداره این ولایت را به برادر تنی‌اش، بهرام میرزا، سپرد و بعدها حاکمیت حسین میرزا، پسر بهرام میرزا، بر قندهار و برخی دیگر از مناطق شرقی را به رسمیت شمرد.<sup>۱</sup> بعد از مرگ حسین میرزا، شاه محمد خدابنده ولایت او را بین فرزندان‌ش، مظفرحسین میرزا و رستم میرزا تقسیم کرد و حکومت قندهار و مناطق اطراف آن را به مظفرحسین میرزا و اداره ناحیه زمین داور را به رستم میرزا سپرد.

چنان که گذشت، در این دوره پرآشوب که اوضاع دربار و برخی ایلات ایران به شدت آشفتگی شده بود، مظفرحسین میرزا و برادرش، رستم میرزا، به همراه خانواده خود رهسپار هند شدند و اکبر شاه گورکانی آنان را مورد لطف و مرحمت خود قرار داد و مناصب مهمی به این دو بخشید.<sup>۲</sup> بعدها با ازدواج چند تن از دختران این دو خاندان صفوی با شاهزادگان گورکانی هند پیوند بین آنها و گورکانی هند مستحکم‌تر شد و مردان و زنان وابسته به این دو خاندان با حضور گسترده در عرصه سیاست و اجتماع، به دولت گورکانی و سرزمین هند خدمات شایسته‌ای کردند؛ چنان که در سال ۱۰۱۹ قمری قندهاری محل، دختر مظفرحسین میرزا صفوی، به عقد شاهزاده خرم (شاه جهان) درآمد و دو تن از دختران رستم میرزا صفوی نیز با شاهزاده پرویز، پسر جهانگیر شاه، و محمدشجاع، پسر شاه جهان، ازدواج کردند.<sup>۳</sup> بعدها نیز دو تن از نوادگان رستم میرزا به عقد دو تن از پسران شاه جهان گورکانی به نام شاهزاده اورنگ‌زیب و شاهزاده مرادبخش درآمدند.<sup>۴</sup>

۳. اشتغال دولت صفوی به جنگ‌های پی‌درپی با همسایگان: اشتغال دولت صفوی به جنگ‌های متوالی با همسایگان و برخی حکام محلی داخلی در برخی مناطق بی‌ثباتی و ناامنی را در پی داشت. از این رو، عده‌ای از مردم این مناطق برای حفظ جان و مال خود و برای رهایی از وضعیت موجود راهی سرزمین هند شدند؛ چنان که بعد از مرگ شاه طهماسب ازبکان، با سوءاستفاده از وضعیت موجود دربار صفوی، به خاک ایران دست‌اندازی کردند و مرزهای شرقی، به‌خصوص منطقه خراسان، را عرصه تاخت‌وتاز خود قرار دادند. از این رو، پسران حسین میرزای صفوی، مظفرحسین میرزا و رستم میرزا، که از طرف حکومت مرکزی اداره مناطق شرقی قلمرو صفوی را بر عهده داشتند و همواره بر سر تصاحب

۱. وحید قزوینی، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تصحیح سعید میرمحمدصادق، زیر نظر احسان اشراقی، ص ۱۷.

۲. ترکمان، *عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، ص ۴۸۱؛ کنبو، *شاه جهان‌نامه*، ترتیب و تحشیه غلام یزدان، تصحیح وحید قریشی، ج ۱، ص ۴۰.

۳. گورکانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۳۹؛ شاهنواز خان، *مآثر الامراء*، تصحیح مولی عبدالرحیم، ج ۳، ص ۴۳۹ - ۴۳۸.

۴. خافی خان، *منتخب اللباب*، ج ۱، ص ۵۹۱.

مناطق بیشتر با یکدیگر درگیر بودند، در دفع تهاجم گاه‌وبیگاه ازبکان، ناگزیر محل حکومت خود را ترک کردند و به ترغیب اکبر شاه گورکانی راهی هند شدند.<sup>۱</sup>

## علل خارجی

۱. الطاف و حمایت‌های پادشاهان و بزرگان دربار گورکانی: الطاف عظیم و اخلاق کریم پادشاهان و بزرگان سلسله گورکانی در حق مهاجران، بسیاری از ایرانیان، به‌خصوص طیف گسترده نخبگان سیاسی، علمی و فرهنگی، را به هند فراخواند. از این‌رو، برخی بزرگان خاندان‌های ایرانی، که آوازه دربار گورکانیان و الطاف پادشاهان این سلسله در حق ایرانیان مهاجر را شنیده بودند، همراه با زن و فرزند خود، رهسپار دیار هند شدند و در سایه‌سار حمایت‌های پادشاهان گورکانی، در دستگاه حکومت این سلسله، قرب و منزلت والایی یافتند؛ چنان‌که خاندان غیاث بیگ تهرانی در سایه توجه و حمایت سه تن از پادشاهان گورکانی، اکبر، جهانگیر و شاه جهان، و با استفاده از توانایی و تجربه سیاسی و اداری خود، به‌سرعت پله‌های ترقی را بالا رفت و با ورود به دستگاه حکومت گورکانی و کسب مناصب مهم سیاسی و اداری، صحنه‌گردان حوادث یک سده (۱۱۱۸ - ۹۸۴ ق) از تاریخ حکومت گورکانی شد. خواجه محمدشریف، پدر غیاث بیگ تهرانی، نخست وزارت محمد خان تکلو، حاکم خراسان، را بر عهده داشت،<sup>۲</sup> سپس، در دوره حکومت شاه طهماسب، وزارت برخی ایالات مرکزی ایران، از جمله یزد و ابرکوه به او و پس از او به پسرش، خواجه غیاث‌الدین، سپرده شد، اما بعد از مرگ شاه طهماسب و بر اثر سعایت برخی درباریان، مقام و موقعیت غیاث بیگ به کلی تضعیف شد. از این‌رو، غیاث بیگ با سختی و مشقت، به همراه همسر و فرزندان، رهسپار دیار هند شد و به دربار اکبر شاه پیوست و بسیار زود، با نشان دادن دانش و لیاقت خویش، مدارج رشد و ترقی را در دستگاه گورکانیان هند پیمود و در زمان حکومت جهانگیر شاه منصب صدراعظمی و لقب اعتمادالدوله یافت.<sup>۳</sup>

در این‌بین، دختر او، نورجهان بیگم، مورد توجه جهانگیر شاه قرار گرفت و به عقد او درآمد. به این ترتیب، با ورود نورجهان بیگم به حرم‌سرای جهانگیر شاه، تمام قدرت و اختیارات حکومت گورکانی در دستان خاندان تهرانی قرار گرفت و از آن پس نورجهان بیگم اختیار تمام امور حکومتی را به دست گرفت و قدرت مطلق امپراتوری گورکانی شد. ابوالحسن آصف خان، برادر نورجهان بیگم، نیز به بالاترین مناصب درباری دست یافت و پس از ازدواج دختر او با شاهزاده خرم، شاه جهان، به عنوان وکیل‌السلطنه،

۱. ترکمان، *عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، ص ۴۸۶ - ۴۸۵.

۲. شاه نواز خان، *مآثر الامراء*، تصحیح مولی عبدالرحیم، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. خافی خان، *منتخب اللباب*، ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۶۳.

خدمات شایسته‌ای به حکومت گورکانی کرد. علاوه بر این، در این دوره، دیگر اعضای خاندان تهرانی و حتی اقوام و منتسبان به این خاندان در مناصب مهم دولتی به کار گمارده شدند.<sup>۱</sup> به این ترتیب، اغلب اعضای خاندان تهرانی با نفوذ و دخالت در مسائل سیاسی، صحنه‌گردان تحولات سیاسی این دوره شدند و اغلب در این صحنه خوش درخشیدند.

۲. پایگاه ممتاز زنان در دربار گورکانی هند: پایگاه ممتاز زنان در دربار گورکانی هند سبب جذب عده‌ای از زنان نخبه ایرانی به این سرزمین شد. پادشاهان گورکانی، به تأسی از نیاکان خویش، تیموریان و مغولان، احترام و اعتبار ویژه‌ای برای زنان قائل بودند و با فراهم آوردن فرصت و امکانات موجود، زمینه‌های حضور همه‌جانبه زنان در عرصه‌های مختلف و رشد و بالندگی آنان در جامعه هند عصر گورکانی را فراهم کردند. در این دوره، بر اثر ترکیب فرهنگ ترکی و مغولی با نحوه زندگی عشیره‌ای و سنت‌های قبیله‌ای، وضعیت جامعه هند تحت تأثیر قرار گرفت و پیرو آن زنان این سرزمین و در رأس آنان زنان وابسته به سلسله گورکانی امتیازاتی کسب کردند که پیش از این اعطای چنین امتیازاتی در سرزمین هند معمول نبود. به این ترتیب، مشارکت و دخالت بانوان در امور مختلف افزایش یافت و زنان این دوره بیش از پیش مجال حضور در عرصه‌های مختلف را یافتند.

در حقیقت، حضور فعال و مستمر بانوان در دستگاه گورکانی و در عرصه‌های مختلف، به تشویق و علاقه‌مندی پادشاهان این سلسله صورت می‌گرفت. از این رو، جایگاه خاص بانوان نزد سلاطین و رجال دربار گورکانی و آگاهی نسبی آنان از جریان‌های سیاسی حاکم بر کشور و همچنین دسترسی آنان به اخبار و اسناد اداری و مالی آنان را به یکی از عوامل اثرگذار در امور سیاسی و حکومتی تبدیل کرد. به این ترتیب، عده‌ای از زنان ایرانی که به همراه خانواده خود به هند مهاجرت کرده بودند نیز جذب دربار گورکانی شدند و با نشان دادن لیاقت و شایستگی خویش، جایگاه و موقعیت ممتازی در دربار گورکانی کسب کردند؛ چنان‌که در این دوره نورجهان بیگم دختر خواجه غیاث‌الدین تهرانی، جانان بیگم دختر عبدالرحیم خانخان، ارجمند بیگم دختر ابوالحسن آصف خان تهرانی، سستی‌النسا خواهر طالب آملی ملک‌الشعرا دربار جهانگیر شاه و غیره به دربار گورکانی راه یافتند و با استفاده از شرایط، امکانات و فرصت‌های موجود در عرصه‌های مختلف حضور پیدا کردند و نام خود را در سرزمین هند جاودانه ساختند.

۳. ثروت انبوه پادشاهان گورکانی و منابع سرشار سرزمین هند: این عامل مهاجران زیادی را به خود جذب کرد. در این میان، تعداد زیادی از خاندان‌های ایرانی جذب دربار گورکانی هند شدند و با نشان دادن مهارت و کاردانی خویش و کسب مناصب مهم و معتبر، درآمد و ثروت انبوهی یافتند؛ چنان‌که به روایت

۱. بخشی، *اقبال‌نامه جهانگیری*، تصحیح مولوی عبدالحی و مولوی احمد علی صاحبان، ص ۵۷ - ۵۶.

منابع این دوره، خاندان تهرانی، که «روزگار نیک‌بختی آنان در ایران» به سر آمده بود، بر اثر عسرت و آشفتگی اوضاع سیاسی ایران، به‌اضطرار راهی هند شدند و اغلب افراد این خاندان به واسطه پیشینه فرهنگی و اداری و حضور در امور سیاسی و دیوانی و نفوذ به دربار گورکانی هند و کسب مناصب مهم سیاسی و اداری و حتی اقتصادی، ثروت انبوهی به دست آوردند.<sup>۱</sup>

۴. تساهل و تسامح مذهبی پادشاهان و بزرگان دولت گورکانی: پادشاهان و بزرگان سلسله گورکانی هند، همواره برای رشد و اعتلای جامعه، فارغ از تعصبات مذهبی، مقدم مهاجران سرزمین‌های دیگر را گرامی می‌داشتند و این روند تا زمان حکومت اورنگ‌زیب، که به روایت منابع در اعتقادات خود راسخ بود و به‌شدت از مذهب تسنن حمایت می‌کرد، ادامه داشت. به‌این ترتیب، تساهل مذهبی پادشاهان گورکانی و توجه خاص سلاطین این سلسله به مهاجران ایرانی، برخی خاندان‌های ایرانی را که از تعصب شدید شاه اسماعیل دوم و فضای بسته دوره حکومت او به تنگ آمده بودند رهسپار دیار هند کرد.

چون شاه اسماعیل دوم بر تخت سلطنت نشست، برخلاف پدر و اجداد خود، به مذهب تسنن گرایید و دست از حمایت شیعیان برداشت.<sup>۲</sup> از این رو، خشونت شاه اسماعیل دوم در حق شاهزادگان و درباریان و حتی برخی امرای قزلباش و سخت‌گیری او بر شیعیان برخی خاندان‌های متعصب شیعه را بر آن داشت که به جای خدمت به شاه اسماعیل دوم، به سرزمین هند مهاجرت کنند. برای نمونه، خاندان غیاث بیگ تهرانی، که به روایت منابع در اعتقاد خود بر مذهب تشیع بسیار راسخ بودند، در این شرایط به‌اضطرار و به‌سرعت راهی هند شدند تا در سایه تساهل مذهبی پادشاهان گورکانی روزگار خود را سپری کنند.<sup>۳</sup>

### زنان بانی ایرانی دربار گورکانی هند و آثار معماری تحت حمایت این بانوان

گزارش منابع تاریخی نشان می‌دهد که زنان وابسته به حکومت گورکانی هند، به پیروی از سیاست‌های حاکم بر جامعه آن روز، تمام توان خود را برای ساخت‌وساز و حتی مرمت بناهای مهم، به‌خصوص ساختمان‌هایی که کارکرد مذهبی و عام‌المنفعه داشتند، به کار بردند و اغلب با انگیزه‌های مختلف، کسب ثواب اخروی یا کسب شوکت و اعتبار دنیوی، بناهای باشکوه و بی‌نظیری ایجاد کردند که تاکنون ساختمان برخی از این آثار باشکوه پابرجاست و ظرافت و زیبایی این آثار چشم‌نواز احساسات ظریف زنانه این بانوان را نمایش می‌دهد. به عنوان نمونه، باغ‌مقبره همایون شاه در بین سال‌های ۹۷۱ تا ۹۸۴ قمری، با حمایت حاجیه بیگم، همسر همایون، در شهر دهلی ساخته شد. این بنای باشکوه، که تاکنون

۱. کهویهامی، تاریخ حسن، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. روملو، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲، ص ۵۴۴.

۳. بهکری، ذخیره الخوانین، ج ۲، ص ۱۵.

پابرجاست، به دست توانمند دو تن از معماران بزرگ ایرانی به نام‌های سید محمد و پدر او، میرک غیاث‌الدین، و با نظارت و هزینه حاجیه بیگم ساخته شد.<sup>۱</sup>



تصویر شماره ۱. باغ مقبره همایون شاه

ماه‌م‌آنکه، دایه ترک‌تبار متنفذ اکبر شاه، نیز در سال ۹۶۹ قمری مسجد خیرالمنازل را روبه‌روی پورانا قلعه دهلی بنا نهاد و بعدها در کنار این مسجد زیبا، مدرسه‌ای بزرگ تأسیس کرد و آن را در اختیار علما و طلاب علم قرار داد.<sup>۲</sup> جوده‌بای، ملقب به مریم‌الزمانی، همسر هندی اکبر شاه و مادر جهانگیر، نیز مسجد بیگم شاهی یا شاه بیگم را در سال ۱۰۲۱ قمری در شهر لاهور بنا نهاد.<sup>۳</sup> در زمان حکومت شاه جهان نیز دو تن از همسران او به نام‌های اعزازالنسا بیگم اکبرآبادی و فتح‌پوری بیگم، به‌ترتیب با ساخت مسجد و مدرسه اعزازالنسا بیگم و مسجد فتح‌پوری بیگم، در ساخت آثار معماری این دوره سهیم شدند.<sup>۴</sup>

در زمان حکومت اورنگ‌زیب هم، با حمایت زنان درباری، آثار بزرگی در زمینه معماری خلق شد که از آن جمله می‌توان به مسجد بیگم شاهی گجرات اشاره کرد. این مسجد با حمایت راج‌محل بیگم، همسر اورنگ‌زیب، ساخته شد.<sup>۵</sup> علاوه بر موارد ذکرشده، اغلب زنان درباری این دوره، با ساخت بناهای عام‌المنفعه همچون کاروان‌سرا، چاه پلکانی و دیگر بناهای عمومی، در آبادانی و شکوفایی سرزمین هند گام برداشتند و با تأسیس یا مرمت باغ‌های بزرگ، نام خود را در عرصه معماری جاودان ساختند؛ چنان‌که

۱. بداونی، *منتخب التواریخ*، تصحیح مولوی احمد علی صاحب، ج ۲، ص ۹۰.
۲. هندوشاه استرآبادی، *تاریخ فرشته*، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، ج ۲، ص ۱۷۵.
۳. حسن، «مساجد شبه‌قاره هند»، ترجمه هادی جلالی، مجله *هنر*، ش ۳۳، ص ۲۱۲.
۴. کنبو، *شاه جهان نامه*، ترتیب و تحشیه غلام یزدان، تصحیح وحید قریشی، ج ۳، ص ۱۱۷؛ عباد و حکمت، *نقش پارسی بر احجار هند*، ص ۳۵.
۵. حاج سید جوادی، *میراث جاودان*، ج ۱، ص ۴۱۶.

شهربانو بیگم، عمه بابر شاه، با احداث باغ شهرآرا در کابل،<sup>۱</sup> ماهم‌آنگه با احداث گلابی‌باغ در شهر لاهور،<sup>۲</sup> جوده‌بای با ساخت باغ و عمارت بیلاقی بولی‌سرا، سلیمه سلطان بیگم، همسر اکبر شاه، با احداث باغ منداکر یا باغ مندهاگر که در شهر آگره،<sup>۳</sup> اعزازالنسا بیگم با تأسیس باغ شالمار یا باغ بی‌بی‌اکبرآبادی<sup>۴</sup> و ادهم‌باتی ملقب به قدسیه بیگم، همسر محمد شاه، با تأسیس باغ قدسیه،<sup>۵</sup> در سنت باغ‌سازی این دوره سهیم شدند.

در این بین، نظر به اینکه زنان ایرانی وابسته به سلسله گورکانی از احترام و اعتبار خاصی در دربار برخوردار بودند و این عزت و اعتبار پایگاه ممتازی برای آنان به ارمغان داشت، این دسته از بانوان نیز بنا بر پایگاه و موقعیت اجتماعی خود و با استفاده از شرایط و امکانات موجود، در عرصه اجتماع حضور یافتند و با مشارکت در زمینه معماری و ایجاد بناهای عمومی، در آبادانی و شکوفایی سرزمین هند و اعتلای هنر معماری این دوره سهیم شدند. در ادامه، این بانوان و بناهای ساخته‌شده تحت حمایتشان معرفی می‌شوند.

### نورجهان بیگم

مه‌النسا، ملقب به نورجهان بیگم (۱۰۵۵ - ۹۸۴ ق)، همسر ایرانی جهانگیر شاه، برجسته‌ترین و قدرتمندترین بانوی عصر گورکانی است که ضمن حضور فعال در عرصه سیاست، در صحنه فرهنگ و هنر نیز فعالیت داشت و با حمایت از هنرمندان و صنعتگران، آثاری ارزشمند از خود به یادگار گذاشت.<sup>۶</sup> همچنین، با حضور در عرصه معماری و فعالیت‌های عمرانی، تأثیر شگرفی بر روند توسعه معماری در سرزمین هند داشت؛ چنان‌که با ساخت بناهای بزرگ و مجللی که برخی از آنها تا این عصر نیز پابرجا، گوی سبقت را در عرصه معماری از همسرش، جهانگیر، ربود و نام خویش را در سرزمین هند جاودانه ساخت. از این بانوی ایرانی بناهای متعددی به یادگار مانده که مهم‌ترین آنها پته‌ری مسجد یا مسجد سنگی است که برخی منابع آن را مسجد شاهی و مسجد نو نیز نامیده‌اند. این مسجد یکی از شاهکارهای معماری عصر گورکانی است که به درخواست شیعیان منطقه کشمیر، با هزینه شخصی نورجهان بیگم در سال ۱۰۳۲ قمری، در ولایت سرینگر ساخته شد.<sup>۷</sup> نقشه این بنا مستطیل‌شکل است و ساختمان آن با

۱. گورکانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۶۲.

۲. شیمل، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، ص ۳۴۸.

۳. گورکانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۱۳۲ و ۲۹۳.

4. Misra, *Women in Moghal India*, p. 113.

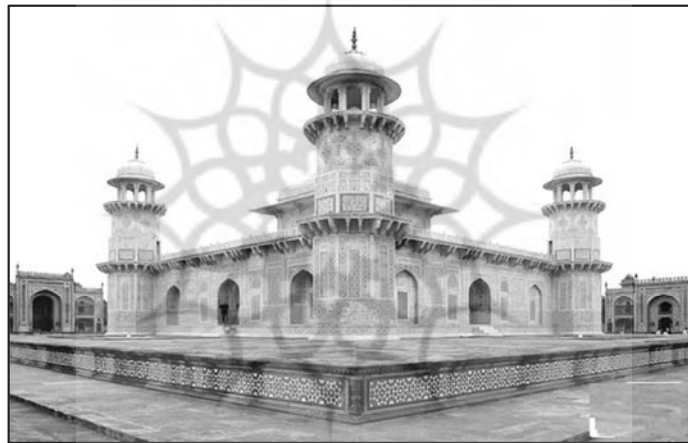
۵. ساقی، *مآثر عالم‌گیری*، تصحیح جناب آغا احمدعلی، ص ۹۶.

۶. ریاض، «ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان»، *مجله هنر و مردم*، ش ۱۵۹ و ۱۶۰، ص ۱۶۰.

۷. همدانی، *تاریخ شیعیان کشمیر*، ص ۲۲۴.

سنگ‌های بزرگ آهکی خاکستری‌رنگ تزئین شده است.<sup>۱</sup> مسجد لعل یا لعل مسجد یکی دیگر از مساجدی است که نورجهان بیگم در ایالت بنگال ساخته است.<sup>۲</sup>

باغ مقبره پدر و مادر نورجهان بیگم، اعتمادالدوله و سلیمه بانو، را نیز نورجهان با هزینه ده میلیون روپیه در ساحل رود جمنا در شهر آگره ساخته است. به روایت کتیبه‌ای که به قلم عبدالنبی قریشی، خطاط معروف این دوره، در دل این بنا حک شده، ساخت این بنا شش سال به طول انجامیده و در سال ۱۰۳۷ قمری تکمیل شده است.<sup>۳</sup> آرامگاه در وسط باغ و روی سکوی مربع‌شکلی قرار گرفته است. ساختمان این بنا دوطبقه با برجی هشت‌ضلعی است که در طبقه اول و در صحن اتاق مرکزی آرامگاه اعتمادالدوله و همسر او و در اطراف آن قبر دو سرباز گمنام قرار گرفته است. در اطراف صحن نیز مقبره دیگر اعضای خانواده اعتمادالدوله قرار دارد. تزئینات این بنا شامل سنگ مرمر و سنگ‌های نیمه‌شفاف و خاتم‌کاری‌های متنوع، گل و گلدان و درختانی همچون سرو و انگور است.



تصویر شماره ۲. باغ مقبره اعتمادالدوله و همسر او سلیمه بیگم

باغ دل‌گشا و مقبره جهانگیر شاه را نیز نورجهان بیگم بعد از مرگ همسرش، در شاه دره لاهور بنا نهاد. این باغ، که یکی از باغ‌های زیبای دوره گورکانی است، نام خود را از باغ دل‌گشای سمرقند عهد تیموری و به تبع آن از باغ دل‌گشای شیراز گرفته است. باغ دل‌گشا با آبشار و فواره‌های زیبا و درختان انبوه و گل‌های متنوع بسیار تزئین شده است و آرامگاه جهانگیر شاه در دل باغ و روی سکوی کوتاه مربع‌شکل قرار گرفته است. ساختمان بنا با سنگ ماسه قرمز و خاتم‌کاری‌های مرمرین تزئین شده و در اطراف ایوان مقبره مناره‌های بلند هشت‌ضلعی ساخته شده است.<sup>۴</sup>

۱. حسن، «مساجد شبه‌قاره هند»، ترجمه هادی جلالی، مجله هنر، ش ۳۳، ص ۲۱۱.

2. Findly, *Nurjahan*, p. 238.

۳. بیل، *مفتاح التواریخ*، ص ۲۱۵.

4. Findly, *Nurjahan*, p. 251.



تصویر شماره ۳. باغ مقبره جهانگیر شاه

نورجهان بیگم، علاوه بر ساخت مساجد و مقابر، در برخی شهرها و جاده‌های هند کاروان‌سراهایی نیز بنا نهاد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: سرای سنگی نورمحل در شهر آگره<sup>۱</sup> و سرای نورجهان در ایالت پنجاب. بنای اخیر در سال ۱۰۲۸ قمری ساخته شد و ساختمان مربع‌شکل آن با سنگ و حجاری‌های متنوع و اشکالی نظیر تصاویر انسان، گل‌های نیلوفر آبی و حیواناتی همچون شیر، طاووس و فیل تزیین شده است.<sup>۲</sup> علاوه بر این، نورجهان بیگم در طی حیات سیاسی خود، با الگوبرداری از باغ‌های ایرانی، تفرجگاه‌ها و باغ‌های متعددی در مناطق خوش‌آب‌وهوای سرزمین هند بنا نهاد که آثار شکوه و عظمت برخی از این مراکز تاکنون پابرجاست و نشان از حس زیبایی‌دوستی و علاقه‌مندی این بانو به فرهنگ و هنر نیاکانش دارد. به عنوان نمونه، باغ شالمار را نورجهان بیگم با الگوبرداری از چهارباغ ایرانی در دره خوش‌آب‌وهوای کشمیر بنیان نهاد. ویژگی خاص این باغ آن است که طرح باغ در عین سادگی، به وسیله دریاچه‌ای زیبا و درختان متنوع میوه و انبوهی از گل‌های رنگارنگ، تزیین شده و این عناصر طراوت و جلوه‌ای زیبا به باغ بخشیده است.<sup>۳</sup>

باغ بهارآرا یکی دیگر از باغ‌های زیبای دوره گورکانی است که به دستور نورجهان بیگم در سال ۱۰۳۲ قمری در کرانه غربی دریاچه دل کشمیر بنا شد. این باغ را درختان چنار احاطه کرده و به روایت منابع، انواع درختان و گل‌های زینتی در آن وجود داشته است. کشتی کوچک زیبایی نیز برای اقامت تابستانی پادشاه و ملکه در دل دریاچه قرار داده شده بود.<sup>۴</sup>

باغ نورافزا یکی دیگر از باغ‌های دوره گورکانی است که نورجهان بیگم باعث تجدید حیاتش شد

۱. گورگانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۳۶۸.

2. Misra, *Women in Moghal India*, p. 113.

۳. ددمری، *واقعات کشمیر*، ترجمه احمد شمس‌الدین، ص ۲۸۳.

۴. گلزار، *شیعیان کشمیر*، ص ۲۹۷.

و به افتخار او نورافزا نامیده شد. این باغ و قلعه اطراف آن را نخستین بار اکبر شاه در شرق کوه دل در کشمیر بنا نهاد و در زمان جهانگیر به مدد نورجهان بیگم مرمت و بازسازی شد؛<sup>۱</sup> به این ترتیب که ایوانی بزرگ در صحن باغ ساخته شد و برای آبیاری درختان و گیاهان، کانال‌های آبی متعددی در سطح باغ کشیده شد.<sup>۲</sup>

باغ نورافشان یا رام‌باغ را نیز نورجهان بیگم مرمت و بازسازی کرد.<sup>۳</sup> این باغ را نخستین بار بابر در ساحل رود جون در شهر آگره بنیان نهاد و بعدها جهانگیر آن را به رسم هدیه به نورجهان بیگم داد و آن را باغ نورافشان نامید. نورجهان نیز ساختمان آن را بازسازی کرد و باغ را توسعه داد و درختان و گل‌های متعددی در آن کاشت.<sup>۴</sup>

جلالای طباطبایی زیبایی این باغ را این‌گونه توصیف کرده است:

همانا نظیر آن با این مایه خصوصیات خاص سیما به اعتبار فسحت ساحت خیابان و چمن و وفور روح و راحت نشیمن‌های نزهت وطن وقوع رسته چنارهای سدر آسا بر شط آن رود کوثر آثار همانا «جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» آشکارا گردیده، شاید که بر روی زمین کمتر باشد.<sup>۵</sup>

باغ آچابل<sup>۶</sup> یکی دیگر از باغ‌های بزرگ این دوره است که نورجهان بیگم بنیان‌گذاری کرد. آچابل یا اچهل مکانی است مقدس در جنوب ایالت سرینگر کشمیر که هندوها در آن یکی از خدایان خود به نام آکشوال<sup>۷</sup> را می‌پرستیدند. این منطقه، به دلیل آب‌وهوای مطبوع و وجود گیاهان و درختان انبوه، همواره مورد توجه خاص جهانگیر و نورجهان بیگم بود.<sup>۸</sup>

از این رو، به فرمان نورجهان، در این مکان، باغ بزرگی احداث شده است که به روایت جلالای طباطبایی «از جمیع جهات خوبی در شش جهت ربع مسکون نظیر خود نداشت».<sup>۹</sup> این باغ در زمان حکومت شاه جهان به جهان‌آرا بیگم واگذار شد و از آن زمان به بعد، به بیگم‌آباد شهرت یافت. بیگم‌آباد را

۱. گورکانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۳۴۳.

۲. الطاف، *کشمیر بهشت زخم‌خورده*، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۷.

۳. کخ، *معماری هند در دوره گورکانیان*، ترجمه حسین سلطان‌زاده، ص ۸۸.

۴. گورکانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۳۷۱.

۵. جلالای طباطبایی، *شاه جهان‌نامه*، مقدمه و تصحیح و تحشیه سید محمدیونس جعفری، ص ۲۸۱.

6. Achabal.

7. AKshavala.

۸. ددمری، *واقعات کشمیر*، ترجمه احمد شمس‌الدین، ص ۲۸۳.

۹. جلالای طباطبایی، *شاه جهان‌نامه*، مقدمه و تصحیح و تحشیه سید محمدیونس جعفری، ص ۳۱۲.

جهان‌آرا بیگم مرمت و بازسازی کرد و تحت نظارت این شاهزاده بیش از پیش توسعه و گسترش یافت.<sup>۱</sup> باغ شاه‌آباد یا ویرناگ در هشتادوپنج کیلومتری جنوب شرقی ایالت سرینگر، در دامنه کوه‌های شرقی موسوم به پیربنجال قرار دارد و در جنب تل مرتفع مستوری از کاج، چشمه بزرگی در جریان است و قصبه ویرناگ در جنب آن قرار گرفته است. ویرناگ در زبان هندی به معنای مار است و وجه تسمیه این قصبه از غاری بزرگ است که نیایشگاه پرستش مار توسط برخی اهالی کشمیر بوده است.<sup>۲</sup> در یکی از سفرهای جهانگیر به کشمیر، آب‌وهوای مطبوع این منطقه نورجهان را بر آن داشت که باغی زیبا در این مکان بنا کند و باغ به نام این قصبه، ویرناگ، شهرت یافت.<sup>۳</sup> علاوه بر این، باغ‌های متعدد دیگری همچون باغ نورمنزل، بیگم‌آباد، داروغه و موتی را نورجهان بیگم در سرزمین هند بنیان نهاد که در زمان خود جزو مهم‌ترین مراکز تفریحی و سرگرمی به شمار می‌رفتند.<sup>۴</sup>

### جانان بیگم

همسر شاهزاده دانیال یکی دیگر از بانوان برجسته دربار گورکانی است که تحت حمایت و تربیت خاندان عالم و فاضل خویش، با علم و هنر و زبان و ادب فارسی آشنا شد و با سرودن اشعار دل‌انگیز و نگاشتن تفسیری کامل بر قرآن مجید، به عرصه فرهنگ و ادب فارسی وارد شد.<sup>۵</sup> علاوه بر این، جانان بیگم، با ساخت باغی بزرگ در منطقه احمدآباد، به عرصه معماری نیز قدم نهاد و پس از مرگ پدر، به یاد دلیری و پیروزی‌های مکرر او در سرزمین هند، زمین چمن خشک و بی‌حاصل یکی از باغ‌های منطقه احمدآباد به نام فتح‌آباد را با مخمل سبزرنگ فرش کرد و درختان بی‌ثمر آن را با ابریشم سبز آراست. این باغ نماد پیروزی عبدالرحیم خانخانان بر دشمنان در منطقه احمدآباد بود.<sup>۶</sup> دختر مظفرحسین میرزای صفوی و همسر اول شاه جهان گورکانی یکی دیگر از بانوان ایرانی دربار گورکانی است که با طراحی و ساخت باغی زیبا در شهر اکبرآباد، نام خود را در عرصه معماری و آبادانی سرزمین هند جاودانه ساخت. این باغ به نام بانی آن، قندهاری‌محل، شهرت داشت.<sup>۷</sup>

۱. محمد کاظم، *عالم‌گیرنامه*، تصحیح مولوی خادم حسین و مولوی عبدالحی، ص ۸۳۷.

۲. عباد و حکمت، *نقش پارسی بر احجار هند*، ص ۴۳.

۳. گورکانی، *توزک جهانگیری*، به کوشش محمد هاشم، ص ۳۳۸ و ۳۵۶.

۴. همان، ص ۳۶۸ و ۳۷۱؛ گلزار، *شیعیان کشمیر*، ص ۲۹۷.

۵. جعفر حلیم، *شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانخانان*، ص ۱۶۰.

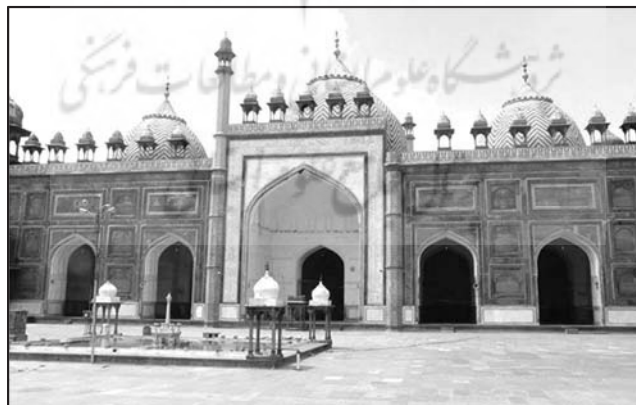
۶. شیمل، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، ص ۲۱۰.

۷. بیل، *مفتاح التواریخ*، ص ۲۴۰.

## جهان آرا بیگم

جهان آرا بیگم که منابع دوره گورکانی از وی با نام «پادشاه بیگم» و «بیگم صاحب» نیز یاد کرده‌اند<sup>۱</sup> دختر محبوب شاه جهان و ارجمند بیگم تهرانی است که از آغاز کودکی، تحت تعلیم و تربیت مادر ایرانی‌اش و دایه و معلم دوران کودکی‌اش، سستی‌النساء، خواهر طالب آملی، ملک‌الشعرای دربار جهانگیر، با هنر و فرهنگ ایرانی آشنا شد و با آن انس و الفت گرفت. از این‌رو، با خلق آثار بزرگ در گسترش هنر معماری ایرانی - اسلامی در سرزمین هند سهیم شد. از این بانو آثار متعددی به یادگار مانده که هم‌اکنون نیز شکوه و جلال برخی از این آثار پابرجاست. مسجد جامع اکبرآباد (آگره) یکی از زیباترین بناهای دوره گورکانی است که در سال ۱۰۵۸ قمری و با هزینه‌ای بالغ بر پنجاه‌هزار روپیه در جانب شمال غربی قلعه سرخ ساخته شد و ساخت آن پنج سال طول کشید. این مسجد با گنبدی زیبا و پنجاه ایوان آراسته شده است و صد ذرع طول و صد زرع عرض دارد.<sup>۲</sup> در پیشانی عمارت مسجد، کتیبه‌ای زیبا به خط طغرا، روی سنگ مرمر سفید نصب شده که در آن علاوه بر ذکر نام بانی بنا، مبلغ هزینه‌شده برای ساخت بنا نیز به روپیه هندی و معادل آن به واحد پول ایرانی و ترکستان ذکر شده است.<sup>۳</sup> بعدها مدرسه و حمام بزرگی نیز در کنار این مسجد ساخته شد که به روایت منابع، جهان آرا بیگم زمین آن را به قیمت بالا از اهالی منطقه خرید و آن را در اختیار مردم قرار داد:

مالکان را بر وفق حصول مرضی همگنان به طیب قلب راضی نمودند؛ چنانچه برخی را ده - پانزده نرخ وقت افزوده، تسلی بخشیدند و باقی را که خواهش قیمت نداشتند، منزل بهتر و بانزهدت‌تر در عوض داده، خرسند ساختند.<sup>۴</sup>



تصویر شماره ۴. مسجد جامع اکبرآباد

۱. لاهوری، پادشاهنامه، تصحیح مولوی کبیرالدین احمد و مولوی عبدالرحیم، ج ۱، ص ۹۴.
۲. عنایت خان، ملخص شاه جهان‌نامه، ص ۲۷۹.
۳. عباد و حکمت، نقش پارسی بر احجار هند، ص ۳۴.
۴. کنبو، شاه جهان‌نامه، ترتیب و تحشیه غلام یزدان، تصحیح وحید قریشی، ص ۱۹۳.

بازار چاندی چوک یا چوک سرا یکی دیگر از آثار معماری جهان آرا بیگم است که در سال ۱۰۶۰ قمری در شهر دهلی ساخته شد و هم‌اکنون نیز به عنوان یکی از مراکز مهم تجاری شهر دهلی مطرح است. وجه تسمیه این مجموعه آن است که به دستور جهان آرا بیگم، در وسط این مرکز تجاری، استخر بزرگی ساخته شده بود که در شب‌های مهتابی، تصویر ماه و عمارت در استخر پر از آب نمایان می‌شد و جلوه‌ای خاص به بازار می‌بخشید. از این رو، آن را چاندی چوک یا چوک سرا به معنای میدان مهتاب یا میدان شب‌های مهتابی نامیدند. جهان آرا برای ساخت این بنا نیز بسیاری از زمین‌های منطقه را به قیمت مناسب خرید و از این طریق، علاوه بر رونق بخشیدن به کسب‌وکار منطقه، مردم را نیز خشنود کرد.<sup>۱</sup>

به گزارش برخی منابع، جهان آرا بیگم به تجارت و دادوستد بسیار علاقه‌مند بود و کارگزاران او در برخی شهرها و بنادر مهم شبه‌قاره به تجارت مشغول بودند. از این رو، در برخی نقاط، کاروان‌سراهایی بنا کرد و آنها را در اختیار مسافران و تجار قرار داد. وی کاروان‌سرای صاحب بیگم را در حوالی بازار چاندی چوک بنا نهاد و باغ و انبار بزرگی را به آن اختصاص داد.<sup>۲</sup>

گرایش و علاقه جهان آرا بیگم به عرفا و مشایخ صوفیه این بانو را بر آن داشت که ضمن تدوین رساله صاحبیه در احوال ملا شاه بدخشی و مریدان او، با ساخت رباطی در دره کشمیر به نام رباط ملا شاه بدخشانی، نام این صوفی قرن دهم و یازدهم را زنده نگه دارد. وی بعدها، برای رفاه حال فقرا و نیازمندان این منطقه، عمارتی بزرگ در کنار این رباط بنا نهاد و شصت‌هزار روپیه برای ساخت آن هزینه کرد.<sup>۳</sup>

جهان آرا بیگم در زمان حیات خود آرامگاه شیخ و عارف قرن هشتم هجری، محمد بن احمد بن علی دهلوی ملقب به نظام‌الدین اولیا، را بازسازی کرد و مقبره‌ای نزدیک این آرامگاه بنا نهاد که بعدها مدفن او شد. این بنای ساده، که نشان از شیفتگی و ارادت جهان آرا بیگم به مشایخ صوفیه و عقاید آنان دارد، از سنگ سفید مرمر ساخته شده است و بعد از مرگ جهان آرا بیگم (۱۰۹۲ ق)، پیکر او در این مکان به خاک سپرده شد.<sup>۴</sup>

علاوه بر بناهای ذکر شده، جهان آرا بیگم در زمان حیات خود باغ‌ها و مراکز مهم تفریحی در سرزمین هند بنیان نهاد که آثار برخی از آنها تاکنون پابرجاست. به عنوان نمونه، باغ صاحب‌آباد یا جهان آرا یکی از زیباترین باغ‌های دوره گورکانی است که به دستور جهان آرا بیگم در جنوب باغ نورافشان یا رام‌باغ ساخته شده است. این باغ، که در حال حاضر به زهراباغ اشتهار دارد، به دست شاه جهان، در شهر آگره

۱. عنایت خان، *ملخص شاه جهان‌نامه*، ص ۲۷۹.

۲. لاهوری، *پادشاه‌نامه*، تصحیح مولوی کبیرالدین احمد و مولوی عبدالرحیم، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. خافی خان، *منتخب اللباب*، ج ۲، ص ۷۰۷.

۴. ساقی، *مآثر عالم‌گیری*، تصحیح جناب آغا احمدعلی، ص ۲۱۳.

پایه‌ریزی، و به رسم هدیه به همسر شاه، ارجمند بیگم، واگذار شد. پس از مرگ ارجمند بیگم، اداره باغ به جهان‌آرا بیگم سپرده شد و در این دوره بازسازی شد و توسعه یافت.<sup>۱</sup> باغ‌های صاحبیه در نزدیکی تالاب دل و عیش‌آباد و صفا در نزدیکی صفاپور نیز سه باغ دیگر جهان‌آرا بیگم است و جلالای طباطبایی در وصف این باغ‌ها آورده است:

سه بستان سرای فردوس پیر است که هر یک مانند مالکه آن، ... بیگم، صاحب از فیض وجود فیض‌الجود باعث آرایش صفحه جهان و آسایش جهانیان‌اند.<sup>۲</sup>

### روشن‌آرا بیگم

دومین دختر شاه جهان و ارجمند بیگم نیز در طی حیات خود در اشتیاق بانوان سلسله گورکانی در ساخت باغ و مراکز تفریحی سهیم شد و با ساخت باغ روشن‌آرا در سمت شمال شرقی شاه جهان‌آباد نام خود را در عرصه معماری جاودانه ساخت. این باغ، بعد از مرگ روشن‌آرا، در سال ۱۰۸۲ ق، آرامگاه ابدی این بانو شد.<sup>۳</sup>

### زیب‌النسا بیگم

زیب‌النسا بیگم، دختر اورنگ‌زیب و دلرس بانو، دختر شاه نواز خان صفوی، نامدارترین زن شاعر و سخن‌دان زبان و ادب فارسی در سرزمین هند است. زیب‌النسا از کودکی تحت تأثیر مادر و اقوام ایرانی خود و همچنین تحت تعلیم و تربیت مربیانی ایرانی همچون محمدسعیداشرف مازندرانی، نوه دختری علامه مجلسی اول و مادر فاضل و عالم یکی از درباریان به نام حافظه مریم و شاعری به نام شاه رستم غازی، با فرهنگ و ادب فارسی انس و الفت گرفت.<sup>۴</sup> وی بعدها با ساخت چند باغ زیبا در سرزمین هند در سنت باغ‌سازی این دوره سهیم شد و نام خود را در عرصه معماری جاودانه ساخت. به عنوان نمونه، باغ‌های نوان کوت،<sup>۵</sup> چاوبرجی<sup>۶</sup> و باغ زیب‌النسا سه باغ زیبایی است که به دست این بانو و با هزینه شخصی او در شهر دهلی ساخته یا مرمت و بازسازی شد.<sup>۷</sup>

بعد از مرگ زیب‌النسا در سال ۱۱۱۴ قمری، پیکر این بانو به دستور پدرش، اورنگ‌زیب، در یکی از باغ‌های بزرگ این دوره، به نام باغ سی‌هزاری در شهر دهلی به خاک سپرده شد. به روایت برخی منابع،

۱. کنبو، شاه جهان‌نامه، ترتیب و تحشیه غلام یزدان، تصحیح وحید قریشی، ص ۳۶۱ - ۳۶۰.

۲. جلالای طباطبایی، شاه جهان‌نامه، مقدمه و تصحیح و تحشیه سید محمدیونس جعفری، ص ۲۸۱ - ۲۸۰.

۳. راجپوت، «سه‌م شاهزاده خانم‌های مغول در معماری شبه‌قاره»، نشریه هلال، ش ۸۳، ص ۱۸.

۴. کنبو، شاه جهان‌نامه، ترتیب و تحشیه غلام یزدان، تصحیح وحید قریشی، ج ۲، ص ۲۲۴.

5. Nawn-kut.

6. Chau-Burji.

۷. محمد کاظم، عالم‌گیرنامه، تصحیح مولوی خادم حسین و مولوی عبدالحی، ص ۸۳۶.

این باغ را نیز زیب‌النسا در زمان حیات خود مرمت کرده بود و بعد از مرگ در این باغ به خاک سپرده شد؛<sup>۱</sup> اما بعدها و با عبور ریل از این منطقه، آرامگاه زیب‌النسا به کلی از بین رفت و تابوت و سنگ قبر این بانو به شهر سکندره انتقال یافت و پیکر او در کنار آرامگاه جدش، اکبر شاه، به خاک سپرده شد.

### زینت‌النسا بیگم

وی دیگر دختر اورنگ‌زیب و دلرس بانو بود که از کودکی زیر نظر مادر و استادان بزرگ تعلیم و تربیت یافت و با شعر و ادب فارسی آشنا شد.<sup>۲</sup> این بانو در طی حیات خود بناهای باشکوهی خلق کرد.

زینت‌المساجد یا گاتامسجد<sup>۳</sup> یکی از زیباترین مساجد دوره گورکانی است که به همت زینت‌النسا بیگم و با هزینه شخصی او در شهر دهلی ساخته شد. ساختمان این مسجد با سنگ مرمر سفید تزیین شده و آرامگاه زینت‌النسا بیگم، که با خطوط ثلث منقش شده، در دل مسجد و در قسمت شمالی آن قرار گرفته است. البته به روایت برخی منابع، مقبره زینت‌النسا بیگم نیز در سال ۱۸۵۷ میلادی و در زمان تسلط انگلیسی‌ها بر شبه‌قاره هند تخریب شد و تابوت زینت‌النسا بیگم به محل دیگری انتقال یافت.<sup>۴</sup>

مسجد کواری<sup>۵</sup> نیز یکی از مساجد زیبای دوره گورکانی است که زینت‌النسا بیگم در زمان مسئولیت خود در ایالت دکن با هزینه شخصی آن را بنا نهاد.<sup>۶</sup> علاوه بر بناهای ذکرشده، زینت‌النسا بیگم چهارده کاروان‌سرا در شاه‌راه‌ها و جاده‌های مهم شبه‌قاره هند بنا نهاد که اغلب این بناهای عام‌المنفعه به منظور کسب ثواب اخروی برای بانی و رفاه حال تجار و مسافران ساخته شدند.<sup>۷</sup>

### مقایسه عملکرد زنان ایرانی دربار گورکانی و سایر بانوان وابسته به این سلسله در زمینه معماری

زنان دربار گورکانی هند نقش فعال و مؤثری در رونق معماری این دوره داشتند و با مشارکت در زمینه ساخت‌وساز در شور و اشتیاق پادشاه و بزرگان این سلسله به آبادانی سرزمین هند سهمیم شدند. در این بین، نظر به اینکه زنان ایرانی دربار گورکانی نیز نقش بسیار مؤثری در ایجاد سازه‌ها و بناهای معتبر این دوره داشتند، در ادامه به مقایسه عملکرد این دسته از بانوان با سایر بانوان دربار گورکانی در عرصه معماری

۱. ساقی، *مآثر عالم‌گیری*، تصحیح جناب آغا احمدعلی، ص ۴۶۲.

۲. مشیر سلیمی، *زنان سخنور*، ص ۲۲۸.

3. Ghata Masjid.

۴. سنگین بیگ، *سیر المنازل*، ترتیب شریف حسین قاسمی، ص ۲۱۵.

5. Kuari.

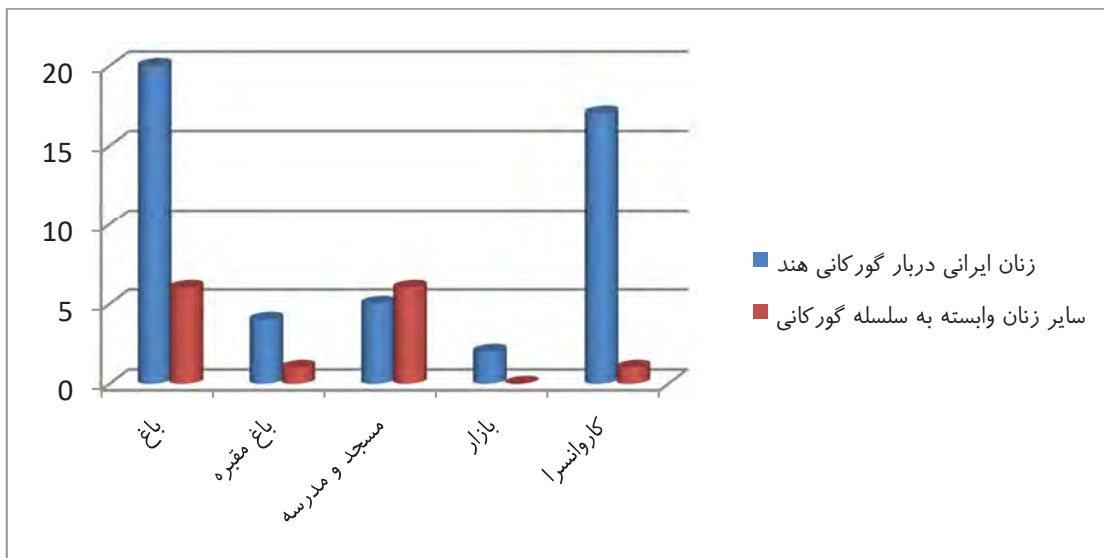
6. Jadunat, *History of Aurangzib*, p. 70.

7. Misra, *Women in Moghal India*, p. 112.

پرداخته شده است. جدول و نموداری که در ادامه می‌آید نشانگر فراوانی عملکرد زنان ایرانی دربار گورکانی و سایر بانوان وابسته به این سلسله در عرصه معماری و توجه ویژه بانوان این دوره به آبادانی سرزمین هند است:

جدول شماره ۱. عملکرد زنان دربار گورکانی در زمینه معماری

ردیف	نام زنان بانی	نام بنا
۱	شهربانو بیگم	باغ شهرآرا
۲	حاجیه بیگم	باغ مقبره همایون شاه، باغ و کاروان‌سرای اربا
۳	ماه‌م‌آنگه	مسجد و مدرسه خیرالمنازل
۴	جوده‌بای	مسجد بیگم شاهی، چاه پلکانی بائولی، عمارت باولی‌سرا
۵	سلیمه سلطان بیگم	باغ مندهاگرکه
۶	جانان بیگم	باغ فتح‌آباد
۷	نورجهان بیگم	مسجد سنگی، مسجد لعل، باغ مقبره اعتمادالدوله و همسر او، باغ مقبره جهانگیر و نورجهان، کاروان‌سرای نورجهان، سرای نورمحل، باغ‌های شالمار، نورافزا، آچابل، شاه‌آباد، نورافشان، بهارآرا، نورمنزل، بیگم‌آباد، داروغه، موتی
۸	اعزازالنسا بیگم	مسجد و مدرسه اعزازالنسا بیگم، سرای بادل، باغ اکبرآبادی
۹	فتح‌پوری بیگم	مسجد فتح‌پوری بیگم
۱۰	قندهاری محل	باغ قندهاری محل
۱۱	جهان‌آرا بیگم	مسجد جامع اکبرآباد، بازار چاندی‌چوک، کاروان‌سرای صاحب بیگم، رباط ملا شاه بدخشانی، مقبره جهان‌آرا بیگم، باغ‌های صاحبیه، عیش‌آباد، صفا و صاحب‌آباد
۱۲	روشن‌آرا	باغ روشن‌آرا
۱۳	زیب‌النسا	باغ‌های نوان‌کوت، چاوبرجی، زیب‌النسا و سی‌هزاری
۱۴	زینت‌النسا	زینت‌المساجد، مسجد کواری و چهارده کاروان‌سرا
۱۵	راج‌محل بیگم	مسجد بیگم شاهی
۱۶	قدسیه بیگم	مسجد قدسیه بیگم و باغ قدسیه



نمودار شماره ۱. مقایسه عملکرد زنان ایرانی دربار گورکانی

و سایر بانوان وابسته به این سلسله در زمینه معماری

نمودار مقایسه عملکرد زنان ایرانی دربار گورکانی و سایر بانوان وابسته به این سلسله در زمینه معماری نشان می‌دهد سهم بانوان ایرانی در طراحی و ساخت باغ‌ها بیست مورد بوده است و در این حوزه با چهارده مورد اختلاف، بر همتایان هندی و مغولی خود پیشی گرفته‌اند. در خصوص احداث باغ‌مقبره نیز زنان ایرانی با اختلاف سه مورد بار دیگر گوی سبقت از همتایان خود در دربار گورکانی ر بوده و با ساخت باغ‌مقبره‌های بزرگ و زیبا سهم بیشتری از فعالیت در این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند. اما در زمینه ساخت مساجد و مدارس، سایر زنان وابسته به دربار گورکانی با شش مورد و تنها با اختلاف یک مورد از همتایان ایرانی خود پیشی گرفته‌اند. با وجود این، در زمینه ساخت بازار و کاروان‌سرا، بار دیگر زنان ایرانی به ترتیب با اختلاف دو مورد در ساخت بازار و شانزده مورد در ساخت کاروان‌سرا بیش از سایر زنان دربار گورکانی فعالیت داشته‌اند و در این دو حوزه نیز بسیار خوش درخشیده‌اند. به این ترتیب، آمار و داده‌های موجود نشان می‌دهد سهم زنان ایرانی دربار گورکانی در زمینه معماری و آبادانی سرزمین هند بیش از سایر زنان وابسته به این سلسله است و این دسته از بانوان بنابر پایگاه و موقعیت اجتماعی خود و با استفاده از شرایط، امکانات و فرصت‌های موجود، بیش از همتایان هندی خود در عرصه معماری و آبادانی سرزمین هند فعالیت کرده‌اند.

## نتیجه

زنان دربار گورکانی هند جایگاه و نقش بسیار مؤثری در زمینه‌های مختلف هنری به‌خصوص شاعری و سخنوری، نقاشی و خطاطی و معماری داشته‌اند. این نقش بارز بانوان درباری به‌ویژه در آبادانی سرزمین

هند و توسعه و پایداری هنر معماری بسیار ستودنی است. در این دوره، بناهای مجلل و باشکوه و ساختمان‌های عام‌المنفعه‌ای همچون مسجد، مدرسه، کاروان‌سرا، بازار و باغ در شهرهای مختلف سرزمین هند ساخته شد که زنان دربار، پایه‌پای مردان سلسله‌گورکانی، نقش درخور و مؤثری در احداث این بناها داشته‌اند.

تلاش گسترده بانوان دربار در زمینه معماری و ساخت بناهای عام‌المنفعه عزت و اعتبار بالایی برای آنان به همراه داشت. نقش زنان در این‌گونه فعالیت‌ها مورخان و عالمان جامعه هند عصر گورکانی را بر آن داشت که ضمن انعکاس اخبار حضور پرشور بانوان درباری در مسائل اجتماعی این دوره، به نقش آنان در ایجاد سازه‌های مهم معماری و در مجموع در شکوفایی و آبادانی سرزمین هند توجه ویژه‌ای داشته باشند و در آثار خود، نشاط و تحرک اجتماعی این دسته از بانوان را به‌زیبایی نمایش دهند.

در این‌بین، برخی زنان ایرانی مهاجر به هند نیز به دلایل مختلف به دربار گورکانی راه یافتند و از احترام و اعتبار خاصی در دربار گورکانی برخوردار شدند. این مسئله موجب شد این زنان، با استفاده از شرایط و امکانات موجود و با بهره‌گیری از هوش و فراست و توانایی‌های ذاتی خود، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی حضور یابند و با نقش‌آفرینی در عرصه معماری و خلق بناها و آثار معتبر، در اعتلای هنر معماری و آبادانی سرزمین هند گام بردارند. این بانوان مساجد، مدارس، مقابر، باغ‌ها و بناهای عظیم و باشکوهی بنا نهادند یا در ایجاد این بناها با حمایت و تشویق و تهییج همسران و فرزندان و بستگان خود، که در طبقه حاکمیت جای داشتند، نقش‌آفرینی کردند. برخی از این سازه‌های باشکوه تاکنون پابرجاست و شکوه و جلال این آثار ظرافت زنانه و هنرمندی این دسته از بانوان را به همگان نمایش می‌دهد. برخی دختران دربار گورکانی نیز به تأسی از مادران ایرانی خود و تحت تعلیم استادان و مربیان ایرانی خویش، در توسعه هنر معماری، به‌خصوص معماری ایرانی - اسلامی، گام برداشتند و با تخصیص بخشی از اموال و دارایی خود، برای ساخت بناها یا تکمیل و بازسازی و احیای بناهای قدیمی، در آبادانی سرزمین هند سهیم شدند. این نقش و جایگاه، ضمن حفظ و اعتلای فرهنگ ایرانی در سرزمین هند، نقطه عطف و نگین درخشانی در تاریخ فرهنگی این سرزمین محسوب می‌شود و حس و حال و روح فرهنگ ایرانی را در این سرزمین بزرگ جاودانه ساخته است.

## منابع و مأخذ

- الطاف، حسین (۱۳۷۲). **کشمیر بهشت زخم‌خورده**. ترجمه فریدون دولتشاهی. تهران: اطلاعات.
- بخشی، معتمد خان (۱۸۶۵ م). **اقبال‌نامه جهانگیری**. تصحیح مولوی عبدالحی و مولوی احمد علی صاحبان. کلکته: بی‌نا.

- بداونی، عبدالقادر (۱۳۸۰). *منتخب التواریخ*. تصحیح مولوی احمد علی صاحب. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بهکری، فرید (بی تا). *ذخیره الخوانین*. پاکستان. دانشگاه پاکستان.
- بیل، توماس ویلیام (۱۸۶۷ م). *مفتاح التواریخ*. کانپور. مطبع نول کشور.
- تتوی، احمد و آصف خان قزوینی (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۷). *عالم آرای عباسی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- جعفر حلیم، سید حسین (۱۳۷۱). *شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانخانان و خدمات او برای پیشرفت ادبیات فارسی*. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- جلالی طباطبایی یزدی، محمد (۱۳۸۸). *شاه جهان نامه*. مقدمه و تصحیح و تحشیه سید محمدیونس جعفری. دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رازینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- حاج سید جوادی، سید کمال (۱۳۷۰). *میراث جاودان*. اسلام آباد: رازینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- حسن، پروین (۱۳۷۶). *مساجد شبه قاره هند*. ترجمه هادی جلالی. مجله هنر. ۸ (۲).
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۷). *سوزمین هند* (بررسی تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ادبی هندوستان از ادوار باستانی تا عصر حاضر). تهران: چاپخانه دانشگاه.
- خافی خان، محمد هاشم (۱۸۶۹ م). *منتخب اللباب*. کلکته: ایشیاتیک سوسایتی آف بنگال.
- ددمری، محمد اعظم (بی تا). *واقعات کشمیر*. ترجمه احمد شمس الدین. سرینگر: مرکز اسلامی کشمیر.
- راجپوت، الله بخش (۱۳۷۴). *سهم شاهزاده خانم های مغول در معماری شبه قاره*. نشریه هلال. ۲۰ (۳).
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۹). *احسن التواریخ*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- ریاض، محمد (۱۳۵۴). *ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان*. مجله هنر و مردم. ۴۰ (۱).
- ساقی (مستعد خان)، محمد (۱۸۷۱ م). *مآثر عالم گیری*. تصحیح جناب آغا احمد علی. کلکته: ایشیاتیک سوسایتی آف بنگال.
- سنگین بیگ، مرزا (۱۹۸۲ م). *سیر المنازل*. ترتیب شریف حسین قاسمی. دهلی: بی نا.
- شاهنواز خان، صمصام الدوله (۱۸۰۹ م). *مآثر الامرا*. تصحیح مولی عبدالرحیم. کلکته. مطبع اردو کائید پریس.
- شیمل، آنه ماری (۱۳۸۶). *در قلمرو خانان مغول*. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: امیرکبیر.

- عباد، اقل و علی اصغر حکمت (۱۳۳۷). *نقش پارسی بر احجار هند* (فهرستی از کتیبه‌ها و خطوط فارسی بر لوح سنگ‌های هندوستان). به اهتمام کتابخانه ابن سینا. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- علامی، ابوالفضل (۱۳۷۲). *اکبرنامه (تاریخ گورکانیان هند)*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- عنایت خان، محمدطاهر (۱۳۸۸). *ملخص شاه جهان‌نامه*. دهلی نو: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- کخ، ابا (۱۳۷۳). *عماری هند در دوره گورکانیان*. ترجمه حسین سلطانزاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کنبو، محمدصالح (۱۹۶۷ م). *عمل صالح موسوم به شاه جهان‌نامه* (سه جلدی). ترتیب و تحشیه غلام یزدان. تصحیح وحید قریشی. لاهور: مجلس ترقی ادب.
- کهویهامی، پیر غلام (۱۹۶۶ م). *تاریخ حسن*. سرینگر: بی‌نا.
- گلزار (متو)، غلام محمد (۱۳۹۱). *شیعیان کشمیر (از آغاز تا معاصر)*. تهران: مجمع جهانی شیعه‌شناسی.
- گورکانی، گلبدن بیگم (بی‌تا). *همايون‌نامه*. تهران: بی‌نا.
- گورکانی، نورالدین جهانگیر (۱۳۵۹). *توزک جهانگیری*. به کوشش محمد هاشم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لاهوری، ملا عبدالحمید (۱۸۶۷ م). *پادشاه‌نامه* (سه جلدی). تصحیح مولوی کبیرالدین احمد و مولوی عبدالرحیم. کلکته: کالج پریص.
- محمد کاظم، محمدامین (۱۸۶۸ م). *عالم‌گیرنامه*. تصحیح مولوی خادم حسین و مولوی عبدالحی. کلکته. ایشیاتک سوسایتی آف بنگال.
- مشیر سلیمی، علی اکبر (۱۳۳۵). *زنان سخنور*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- همدانی، حکیم صفدر (بی‌تا). *تاریخ شیعیان کشمیر*. سرینگر. طبع و نشر مرکزی.
- هندو شاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۸). *تاریخ فرشته*. تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر (۱۳۸۸). *تاریخ جهان‌آرای عباسی*. تصحیح سعید میرمحمدصادق. زیر نظر احسان اشراقی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- Findly, Ellisin (2000). *Nurjahan*. Oxford. Oxford University press.
- Misra, Rekha (1967). *Women in Moghal India*. Delhi. University of Allahabad.
- Jadunath, Sarkar (1912). *History of Aurangzib*. Calcutta. Kuntaline press.